

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٧١٨٧

۸۷/۱۱/۷۵۸  
۸۷/۱۲/۱۱



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق بشر

موضوع:

**تعلیق حقوق مندرج در معاهدات  
حقوق بشری در وضعیتهای اضطراری**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سیدعلی سادات اخوی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر نسرین مصفا

دانشجو:

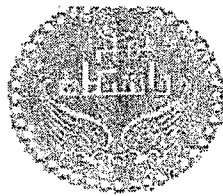
علیرضا ربیعی

۱۳۸۷

کتابخانه و اطلاعات مرکز علمی پژوهشی  
تهران

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۱

۱۰۷۱۸۶



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی حقوق عمومی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : علیرضا ربیعی

در رشته : حقوق بشر

با عنوان : تعلیق حقوق مندرج در معاهدات حقوق بشری در وضعیت های اضطراری

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۶/۳۱

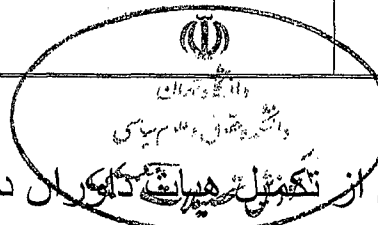
به عدد	به حروف
۱۸/۵	هجده و پنج

با شماره نهایی :

ارزیابی نمود .

با درجه

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر سیدعلی سادات اخوی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر نسرین مصفا	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر محمدجواد رضایی زاده	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر سیدباقر میرعباسی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	



تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.



جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

شماره \_\_\_\_\_

تاریخ \_\_\_\_\_

پرونده \_\_\_\_\_

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب **عسریار بهی** متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو **عسریار بهی**

امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
..... ۱	۱- طرح مسأله.....
..... ۲	۲- پرسش اصلی.....
..... ۳	۳- پرسشهای فرعی.....
..... ۴	۴- روش تحقیق.....
..... ۵	۵- سازماندهی پایان نامه:.....
..... ۶	۶- پیشینه تحقیق.....

### فصل اول: مفهوم تعلیق و انواع آن در معاهدات حقوق بشری

..... ۴	۱- مفهوم تعلیق.....
..... ۶	۲- فلسفه تعلیق.....
..... ۱۲	۳- رابطه تعلیق با سایر عوامل محدودکننده.....
..... ۱۲	۳-۱- ارتباط شروط تعلیق و محدودیتها.....
..... ۱۲	۳-۱-۱- مفهوم محدودیتها:.....
..... ۱۳	۳-۱-۲- انواع محدودیتها:.....
..... ۱۳	۳-۱-۲-۱- استفاده از واژه‌های محدودکننده:.....
..... ۱۴	۳-۱-۲-۲- استفاده از شروط تحدید.....
..... ۱۵	۳-۱-۳- شباهت‌های شروط تعلیق و شروط تحدید.....
..... ۱۶	۳-۱-۳-۱- اصل قانونی بودن:.....
..... ۲۳	۳-۱-۳-۲- اصل مشروعیت هدف در شروط تهدید:.....
..... ۲۴	۳-۱-۳-۱-۲- امنیت عمومی:.....
..... ۲۵	۳-۱-۳-۲-۱-۳- حقوق و آزادی‌های دیگران:.....
..... ۲۶	۳-۱-۳-۳- اصل ضرورت استفاده از محدودیتها در یک جامعه دموکراتیک.....
..... ۲۷	۳-۱-۳-۴- عدم تأثیر بر موجودیت مقررات یا مواد مشمول محدودیتها و شروط تعلیق.....
..... ۲۷	۳-۱-۳-۵- همپوشانی حقوقی که تحت تأثیر محدودیتها و شروط تعلیق قرار می‌گیرند.....
..... ۲۸	۳-۱-۴- تفاوت‌های بین شروط تحدید و شروط تعلیق:.....
..... ۲۸	۳-۲- حق شرط و شرط تعلیق:.....

- ۴- انواع شروط تعلیق در معاهدات حقوق بشری ..... ۳۰
- ۵- تعلیق حقوق بشر در معاهدات فاقد شرط تعلیق ..... ۳۳
- ۱-۵- منشور افریقایی حقوق بشر و ملتها: ..... ۳۴
- ۲-۵- میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی: ..... ۳۷
- ۱-۲-۵- حق به برخورداری از بالاترین استانداردهای سلامت: ..... ۴۷
- ۲-۲-۵- حق دسترسی به آب: ..... ۴۸
- ۳-۲-۵- حق برخورداری از کار: ..... ۴۸
- ۶- تعلیق معاهدات حقوق بشری براساس قواعد حقوق بین‌الملل ..... ۴۹
- ۱-۶- طبقه‌بندی علل تعلیق معاهده: ..... ۵۰
- ۱-۱-۶- تعلیق ارادی ..... ۵۱
- ۱-۱-۱-۶- شرط تعلیق در معاهده ..... ۵۱
- ۲-۱-۱-۶- تعلیق اجرای معاهده بر اثر اراده مؤخر طرفهای معاهده ..... ۵۲
- ۳-۱-۱-۶- قابلیت تعلیق معاهدات حقوق بشری با توافق طرفین: ..... ۵۳
- ۱-۲-۶- تعلیق غیرارادی ..... ۵۶
- ۱-۱-۲-۶- نظام حقوقی حاکم بر آثار جنگ بر معاهدات: ..... ۵۶
- ۲-۱-۲-۶- عدم امکان اجرای معاهده بر اثر قوه قاهره ..... ۵۸
- ۳-۱-۲-۶- اصول تعلیق حقوق بشر بر اساس قواعد عمومی حقوق بین‌الملل ..... ۵۹

## فصل دوم: اصول کلی شروط تعلیق در معاهدات حقوق بشری

- ۱- اصول ماهوی: ..... ۶۷
- ۱-۱- اصل وجود یک وضعیت اضطراری: ..... ۶۸
- ۱-۱-۱- مفهوم وضعیت اضطراری عمومی: ..... ۷۰
- ۱-۱-۱-۱- وضعیت عملی یا قریب‌الوقوع: ..... ۸۰
- ۲-۱-۱-۱- استثنایی بودن وضعیت اضطراری ..... ۸۵
- ۳-۱-۱-۱- تهدید علیه حیات ملت: ..... ۹۰
- ۲-۱-۱- مصادیق وضعیتهای اضطراری: ..... ۹۶
- ۱-۲-۱-۱- ناآرامی‌های داخلی ..... ۹۷
- ۲-۲-۱-۱- فجایع طبیعی: ..... ۹۸
- ۳-۲-۱-۱- جنگ: ..... ۹۸
- ۳-۱-۱- وضعیت اضطراری در کنوانسیون امریکایی حقوق بشر: ..... ۱۰۲

۱۰۵.....	۲-۱- تناسب:
۱۰۸.....	۱-۲-۱- تناسب زمانی:
۱۱۱.....	۲-۲-۱- تناسب مکانی:
۱۱۲.....	۳-۲-۱- تناسب موضوعی:
۱۱۵.....	۳-۱- اصل عدم تبعیض:
۱۲۲.....	۴-۱- اصل رعایت سایر تعهدات بین المللی:
۱۲۵.....	۲- ضمانت های شکلی
۱۲۶.....	۲-۱- اعلام وضعیت اضطراری
۱۳۲.....	۲-۲- اصل گزارش دهی
۱۴۴.....	۳-۲- اصل نظارت:
۱۴۸.....	نتیجه گیری:
۱۵۴.....	منابع و مآخذ

## چکیده

دولتها در هنگام تهیه معاهدات حقوق بشری به انحاء مختلف سعی در محدود کردن دامنه آنها و حفظ اختیارات خود دارند از جمله درج موارد شروط تحدید و شروط تعلیق یا به عبارتی محدودیتهای عادی و محدودیت‌های استثنایی در چنین کنوانسیونهایی می‌باشد. با وجود تفاوت‌هایی که در مورد این دو دسته از محدودیتها وجود دارد بعلت اینکه ماهیت هر دو در مقابل هم قرار دادن منافع افراد و منافع جامعه می‌باشد شباهت‌هایی بین آنها وجود دارد که شامل لزوم قانونی بودن و مشروعیت آنها و همینطور رعایت اصول یک جامعه دموکراتیک می‌باشد. شروط تعلیق علاوه بر اصول فوق دارای قواعد دیگری نیز می‌باشند که به علت دامنه بیشتر محدودیتهایی که بر اجرای حقوق بشر وارد می‌شود برای آنها در نظر گرفته شده است.

این شروط باید فقط در شرایط استثنایی به کار گرفته شوند، بدین منظور باید یک فوریت که اجرای کامل حقوق بشر را در یک برهه زمانی غیرممکن می‌سازد یعنی وقوع یک وضعیت اضطراری که دارای آنچنان اثری باشد که حیات ملت را تحت تأثیر قرار دهد به وقوع پیوندد. بدیهی هست شدت تأثیر آن بر جامعه هدف در تعیین میزان، دامنه و محتوای حقوق بحال تعلیق درآمده نقش بسیار مؤثری دارد. در عین حال دولتها موظفند از اعمال هرگونه تبعیض یا تخطی از سایر تعهداتشان اجتناب کنند. لذا در مواردیکه دولت نسبت به حقی براساس ۲ کنوانسیون متعهد است یا به ۲ کنوانسیون که هر دو دارای شرط تعلیق می‌باشند متعهد است، مجوز تعلیق وی به گونه‌ایست که حداکثر حقوق افراد رعایت شود که در مورد اول در صورت فقدان شروط تعلیق در یکی از معاهدات، الزام دولت در رعایت حقوق قابل تعلیق مشترک در هر دو سند تا جائیکه مطابق با قواعد کلی حقوق بین‌الملل می‌باشد و در مورد دوم مجموعه‌ای از مقررات شروط تعلیق هر دو معاهده که حداکثر محدودیت را برای دولت و حداقل آنرا برای افراد ایجاد می‌کند می‌باشد. برای اطمینان از رعایت این اصول دولتها تحت نظارتهای داخلی و بین‌المللی قرار می‌گیرند. اینکار از طریق گزارش‌دهی به نهادهای صالح داخلی یعنی قوه قانونگذاری یا نمایندگان آن و بررسی توسط دادگاه‌های داخلی مبنی بر قانونی بودن یا نبودن تعلیق یا اقدامات اتخاذی و همینطور گزارش‌دهی به نهادهای ناظر بین‌المللی برای مداخله کشورهای دیگر یا خود این نهادها از طریق ارسال ملاحظات نهایی نسبت به گزارش کشور مربوطه یا ارائه نظر خود در خلال آراء مرتبط صورت می‌گیرد.

در مواردیکه کنوانسیون فاقد هرگونه شرط تعلیق می‌باشد رویه یا نظر نهاد ناظر مربوط به آن کنوانسیون و نیز قواعد کلی حقوق بین‌الملل می‌تواند در تعیین جواز یا عدم جواز توسل دولتها به هرگونه اقدام محدودکننده حقوق و آزادیهای افراد مورد استناد قرار گیرد. و بسته به ماهیت معاهدات حقوق بشری و هدف و منظور آنها تعیین نمود که چگونه و تحت چه شرایطی دولتها می‌توانند چنین محدودیتهایی را اعمال کنند.



## ۱- طرح مسأله

همراه با گسترش روزافزون حقوق بشر و توجه نهادهای ملی و بین‌المللی به اینکه افراد باید حقوق و آزادی‌هایی برای حیات برخوردار گردند، حقوق بشر بعنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در ثبات و امنیت ملی نیز مطرح می‌باشد. در این ارتباط دو دیدگاه قابل تصور است. اول دیدگاهی که وجود و توجه به حقوق بشر را در راستای حفظ و تداوم ثبات و امنیت کشورها می‌داند و دوم دیدگاهی که ایندو را در تعارض با هم قلمداد می‌کند. در دیدگاه اخیر دولتها برای اینکه حقوق بشر را رعایت کنند باید از برخی اختیارات یا حقوقی که برای حفظ امنیت ملی در نظر دارند برفع حقوق افراد جامعه چشم‌پوشی کنند، بگونه‌ایکه توازن بین ایندو ایجاد شود بدین ترتیب یا به این معنی که تا جایی که حیات و ثبات کشور بخطر نیفتد دولتها به شناسایی و رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی برای افراد جامعه مبادرت می‌ورزند. هرچند که مجامع بین‌المللی بخصوص سازمانهای دولتی و غیردولتی سعی در حمایت از این دیدگاه دارند که صلح و ثبات داخلی در گرو رعایت کامل حقوق بشر و احترام به حقوق و آزادی‌های همگان می‌باشد، با این وجود در واقعیت کشورها بعنوان مهمترین بازیگران بین‌المللی در عمل رفتاری متفاوت که حاکی از عدم پذیرش به نظر فوق می‌باشد در پیش گرفته‌اند. حتی در مورد کشورهای اروپایی نیز که نسبت به سایر کشورها تأکید بیشتری نسبت به احترام و رعایت حقوق بشر دارند، در عمل کاملاً به اینکه رعایت آن همواره بعنوان یکی از مؤلفه‌های حفظ صلح و امنیت می‌باشد معتقد نبوده، بگونه‌ایکه رعایت آنرا تا یک آستانه خاص با حفظ و تداوم امنیت ملی همگام دانسته و برحسب کیفیت و یا شرایط گوناگون در مواردی و یا مواقعی آنرا بعنوان مانعی برای امنیت ملی قلمداد می‌کنند.

بدین ترتیب در شکل‌گیری اسناد حقوق بشری بخصوص در موضوعات حساس مانند منع شکنجه یا ناپدید شدن اجباری زمانیکه که دولتها از طریق معاهده ملزم به رعایت می‌شوند. شاهد مقاومت از سوی دولتها از طریق اعمال نظراتی که دامنه تعهدات آنرا کاهش می‌دهد یا سعی در عدم شکل‌گیری یک معاهده و نهایتاً نپیوستن به آن هستیم. علاوه بر این در راستای سعی در مضیق‌تر

کردن محتوای مواد شاهد-درج مواد یا شروطی در معاهدات حقوق بشری که براساس آن دولتها می‌توانند اجرای مقررات معاهده را نیز در برخی شرایط محدود کنند، هستیم. عوامل محدودکننده عمدتاً بصورت شروط محدودکننده limitation clause یا بصورت «شروط تعلیق» derogation clause هستند. دسته اول دامنه شمول موضوعی یک حق را بگونه‌ای کمابیش دائمی محدود می‌کنند، اما دسته دوم امکان عدم اجرای یک حق بطور موقت را فراهم می‌سازند.

در این پایان‌نامه قصد داریم به بررسی محتوا و شرایطی که دولتها می‌توانند بطور موقت از اجرای تعهدات حقوق بشری خود خودداری کنند، بگونه‌ای که-موجد مسئولیت بین‌المللی برای آنها نشود، با توجه به محتوای شروط تعلیق و نیز براساس قواعد کلی حقوق بین‌المللی بپردازیم.

## ۲- پرسش اصلی

مسأله اصلی که در این پایان‌نامه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد اینست که در چه شرایطی دولتها می‌توانند به طور قانونی حقوقی را که براساس یک معاهده به آن ملزم شده‌اند به حالت تعلیق درآورند؟

## ۳- پرسشهای فرعی

برای یافتن پاسخ سوال فوق لازم است که به سئوالات فرعی زیر نیز پاسخ داده شود.

۱- مفهوم وضعیت اضطراری و شرایطی که باعث می‌شود یک واقعه را بتوان به عنوان یک وضعیت اضطراری شناخت چیست؟

۲- یک وضعیت اضطراری چگونه و تا چه میزان بر تعهدات دولتها اثر می‌گذارد؟

۳- چه ضمانتهایی برای اینکه دولتها در مواجهه با وضعیت اضطراری از قواعد لازم‌الاجرا در چنین

وضعتهایی عدول نکنند پیش‌بینی شده است؟

۴- در مواردیکه یک معاهده بین‌المللی حقوق بشری فاقد هرگونه شرط تعلیق می‌باشد دولتها تحت چه شرایطی می‌توانند حقوق مندرج در آنرا به حال تعلیق درآورند؟

#### ۴- روش تحقیق

این پایان‌نامه براساس روش تحلیلی- توصیفی انجام گرفته است. بدین منظور موضوعات را با توجه به نظر حقوقدانان، نهادهای ناظر، و سایر مراجع بین‌المللی بررسی کرده و در مواردی که خلأیی احساس می‌شد سعی گردید که با بررسی تحلیلی موضوع راه‌حلی برای آن یافت شود

#### ۵- سازماندهی پایان‌نامه:

جهت بحث، این موضوع به دو بخش تقسیم شده است.

در بخش اول مفهوم تعلیق در معاهدات حقوق بشری شرح داده شده است. این بخش حاوی ارائه تعاریفی از شروط تعلیق، فلسفه تعلیق و ارتباط میان آن با سایر عوامل محدودکننده اجرای حقوق بشر می‌باشد. و به شباهتها و تفاوتهایی که میان آنها و شروط تعلیق وجود دارد، پرداخته شده است. انواع شروط تعلیق در معاهدات مذکور بیان شده و نهایتاً وضعیت دولتها در مواجهه با معاهداتی که فاقد شرط تعلیق می‌باشند بررسی شده است.

در بخش دوم اصولی که برای قانونی بودن استفاده از شروط تعلیق باید رعایت گردد ذکر شده است. بدین منظور قسمتهای مختلف ماده شروط تعلیق شامل وجود یک وضعیت اضطراری، مفهوم خصوصیات و مصادیق آن، ضرورت رعایت اقداماتی متناسب با وضعیتهای اضطراری، ممنوعیت توسل به اقدامات تبعیض‌آمیز و لزوم رعایت سایر تعهدات بین‌المللی تحت عنوان اصول ماهوی بررسی شده و به دنبال آن اصول شکلی نیز شامل اعلام وضعیت اضطراری در داخل کشور و گزارشدهی به نهادهای ناظر بین‌المللی جهت ضمانت اجرای صحیح قواعد مربوطه توسط کشورها بیان گردیده است.

**۶- پیشینه تحقیق**

در مورد موضوع پایان‌نامه حاضر در میان کتب و پایان‌نامه‌های فارسی زبان نمونه‌ای که در این زمینه نگارش یافته باشد مشاهده نکردم. از میان مطالب انگلیسی نیز با توجه به اینکه مواردی از قبیل بررسی حقوق غیرقابل تعلیق در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همینطور اشاره به معاهدات فاقد شرط تعلیق و سعی در حل تعارض میان معاهدات حقوق بشری دارای شرط تعلیق و معاهدات فاقد آن به نظر می‌رسد محتوای این پایان‌نامه یک تحقیق جدید در این زمینه بوده که سابقاً علی‌رغم توجه به این مبحث در کتب و مقالات به آن پرداخته نشده است.

## علائم اختصاری

HRC	کمیته حقوق بشر
CESCR	کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
CERD	کمیته محو کلیه اشکال تبعیض نژادی
CEDAW	کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
CRC	کمیته حقوق کودک
ECHR	دیوان اروپایی حقوق بشر
ESC	منشور اجتماعی اروپا
IACtHR	دیوان امریکایی حقوق بشر
IACHR	کمیسیون امریکایی حقوق بشر
CO	ملاحظات نهایی

## فصل اول:

### **مفهوم تعلیق و انواع آن در معاهدات حقوق بشری**

## فصل اول: مفهوم تعلیق و انواع آن

گسترش روزافزون نقش افراد در جامعه بین‌المللی همراه با این عقیده که صلح و امنیت جهانی پیوندی ناگسستنی با احترام به کرامت انسانی و رعایت حقوق و آزادیهای افراد دارد، ظهور شکل جدیدی از معاهدات را در جامعه بین‌المللی به همراه داشته که در آن دولتها در حالی که طرف معاهده قلمداد می‌شوند عملاً انتفاعی از یکدیگر نمی‌برند بلکه صرفاً تعهد می‌کنند تا همگی حقوقی را نسبت به افرادی که قدرت نفوذ بر حقوق و آزادیهایشان دارند را رعایت کنند. بدین ترتیب شاهد ظهور دسته جدیدی از حقوق در عرصه بین‌المللی هستیم که هدف آن فشار بر دولتها برای رعایت و احترام به حقوق افراد می‌باشیم. گسترش اهمیت به حقوق بشر بویژه از طریق معاهدات حقوق بشری باعث می‌شود که نقش دولت بعنوان یک تأمین کننده امنیت افراد مورد توجه روزافزون واقع گردد.

در قبال این موج روزافزون انتظاراتی که این معاهدات بر دولتها بار می‌کنند، آنها نیز سعی در حفظ ماهیت حکومت کننده خود داشته و بدین ترتیب اقداماتی را در جهت محدود کردن دامنه حقوق بشر اتخاذ می‌کنند. از جمله این اقدامات ظهور شروطی در لایبالی تعهدات حقوق بشری دولتها برای تحدید دامنه تعهدات آنها می‌باشد تا از این طریق تا حدودی بار مسئولیت دولتها را در قبال افراد کاهش یابد.

هدف از اعمال چنین قیودی غالباً حفظ نظم عمومی یا حاکمیت قانون و نیز فروعی از آنها می‌باشد. در واقع دولتها با مقابل هم قرار دادن منافع جمعی (که می‌تواند به معنی منافع جمعی افراد جامعه یا منافع حکومت باشد) در مقابل منافع فردی افراد جامعه یا همان حقوق بشر، درصدد ضرورت توسل به اقداماتی جهت حفظ تعادل و در صورت توان پائین تر بردن کفه ترازو بنفع منافع جمعی برآمده‌اند. این عوامل محدودکنند در دو قالب مطرح شده‌اند. یکی محدودیتهای عام<sup>۱</sup> که دقیقاً تحت عنوان کنترل منافع فردی زمانی که باعث ایراد صدمه به منافع جمعی می‌شوند بیان شده و بدین ترتیب در تعارض بین حقوق فردی و جمعی برتری را به منافع جمعی می‌دهند و دیگری

<sup>۱</sup> - Ordinary Limitation

محدودیت‌های خاص یا شروط تعلیق<sup>۱</sup> که به عنوان تحدیداتی در جهت مقابله با یک وضعیت خاص در نظر گرفته شده‌اند. با توجه به اینکه دسته دوم عملاً نتیجه این توجیه می‌باشند که محدودیت‌های عام گاهی جواب‌گوی نیاز ما نیستند بنابراین محتوای آنها صدمه بیشتری به امنیت بهره‌مندی افراد از حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان وارد می‌آورد. این مسأله باعث می‌شود که در این حالت نیاز به ارائه ابزارهایی، جهت لگام زدن به این دسته اقدامات دولتها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گردد. اولین گام حذف امکان هرگونه برتری قائل شدن برای منافع جمعی بر منافع فردی (در قالبی که برای محدودیت‌های عام قائل شده‌اند) می‌باشد. بدین ترتیب ظهور مفهوم توازن بین این دو دسته از حقوق پا به عرصه ظهور می‌گذارد. یعنی نباید چیزی تحت عنوان برتری منافع جمعی نسبت به منافع فردی در هنگام مواجهه با وضعیت‌های خاص بطور مطلق وجود داشته باشد تا دولتها از آن بعنوان ابزاری برای اعمال هرگونه محدودیت استفاده کنند.

بدیهی است دستیابی به چنین توازنی مستلزم ایجاد اصول و قواعدی است که حدود و دامنه امکان توسل به محدودیت‌های خاص را معین کنند و به عنوان معیار و میزانی برای سنجش اقدامات مذکور به کار گرفته شوند. بدین منظور شناسایی دقیق این محدودیت‌ها از اولویت اساسی برخوردار خواهد شد. این محدودیت‌ها که در حیطه معاهدات حقوق بشری تحت عنوان شروط تعلیق شناخته می‌شوند از دو دسته اصول و قواعد پیروی می‌کنند. دسته نخست اصولی و قواعدی است که بین آنها و محدودیت‌های عام مشترک می‌باشد زیرا هر دو از یک ماهیت کمابیش مشابه ایجاد شده‌اند که آن محدود کردن اجرا یا بهره‌مندی کامل از حقوق بشر می‌باشد و دیگری اصول و قواعدی که مختص شروط تعلیق می‌باشد. بدین ترتیب شناختن ماهیت آنها، مشابهت‌ها و تفاوت‌هایشان با اصول محدودیت‌های عام و در گام بعدی شناخت اصول و قواعد حاکم برای قانونمند کردن آنها از اهمیتی ویژه برخوردار می‌باشد تا بتوان توازن مورد نظر را دقیقاً درک کرد.

<sup>۱</sup> - Derogation Clauses



فصل حاضر گام نخست را یعنی تعریف و ماهیت این شروط و ارتباط آنها با محدودیتهای عام را بر می‌گیرد. بدیهی است برای پیدا کردن درک درستی از مفهوم شروط تعلیق ابتدا باید تعریفی از آن داشته باشیم و ماهیت آن را بشناسیم تا بتوانیم اصول و قواعد مشترک آن با محدودیتهای آن و در گام بعدی تمایزات این دو که گام نخست برای شناسایی اصول مرتبط تعلیق می‌باشد را بر داریم.

## ۱- مفهوم تعلیق

دولتها برای توجیه خودداری از عدم اجرای تعهداتشان در زمینه حمایت از حقوق افراد، توجیهشان برای تعلیق را در این قالب بیان می‌دارند که کشور باید گامهای مناسبی را جهت تضمین ثبات و امنیت در مقابله با هنجارهای مخالفی که منافع جمعی و فردی با ارزش بشری را به خطر می‌اندازد، یا به آن صدمه می‌زند، بردارند.<sup>۱</sup> برداشتن این گامهای مناسب (که مهمترین آنها بحال تعلیق در آوردن حقوق بشر قلمداد می‌شود) مستلزم درک مفهومی از تعلیق می‌باشد. در این رابطه تعاریف مختلفی از تعلیق ارائه شده است که این تعاریف عمدتاً به دو دسته قابل تقسیم می‌باشند دسته‌ای بر محدود کردن دامنه اجرای حقوق بشر و دسته‌ای دیگر بر عدم اجرای موقت آن مورد تأکید قرار داده‌اند. از جمله این تعاریف که عبارتند از:

۱- تعلیق نوعی از محدودیت<sup>۲</sup> است که کیفیت حمایت از حقوق بشر را در طول یک وضعیت اضطراری کاهش می‌دهد ... در واژگان حقوق بشری ... تعلیق‌ها، یک پوشش برای سیاست سوءاستفاده دائمی از طریق محرومیت نسبت به برخورداری از حقوق و آزادیهای بشر قلمداد نمی‌گردند.<sup>۳</sup>

۲- در تعریف دیگری تعلیق یک عمل محدودیت قانونی اجرای کامل و مؤثر حقوق بشر قلمداد شده است.<sup>۴</sup> این دسته از تعاریف در مقایسه با تعاریف دیگری که آن را به عنوان معلق گذاردن<sup>۵</sup> حقوق بشر تلقی می‌کند<sup>۶</sup> به نظر منطقی‌تر می‌آید. از جمله تعاریف دسته دوم عبارتند از:

<sup>۱</sup> - HRC: Concluding Observations Peru CCPR/CO/79/Add8.p.5, para 9.

<sup>۲</sup> - Restriction

<sup>۳</sup> - Chaloka Beyani, *Human Rights Standards and the Free Movement of peoples within States*, Oxford, Oxford University Press, 2002, P. 31

<sup>۴</sup> - OHCHR, Professional Training Series no.9, *Human Rights in the Administration of Justice: A Manual on Human Rights for Judges, Prosecutors and lawyers*, United Nations New York/ Geneva, 2003, p.851.

<sup>۵</sup> - Suspend

<sup>۶</sup> - Anne. F. Bayefsky, *How to Complain to the UN Human Rights Treaty System*\_\_\_\_, 2002, p.14

۳- تعلیق اجرای معاهده به معنی توقف اجرای معاهده به صورت موقت است. در تعلیق، برخلاف اختتام، معاهده معتبر باقی خواهد ماند، اما موقتاً مقررات آن از تولید آثار حقوقی باز می ماند و پس از انقضای دوره تعلیق به رسمیت حقوقی خود باز می گردد. علل تعلیق ... معاهدات متعدد می باشد و آنها را می توان در طبقه بندی های خاص و متنوعی قرار داد. شاید ساده ترین طبقه بندی آنها، تقسیم به علل ناشی از اراده طرفین معاهده و علل ناشی از وضعیتهای پیش بینی نشده در معاهده باشد.<sup>۱</sup>

۴- دایره المعارف حقوق بشر نیز تعریفی مشابه و مختصر از تعلیق ارائه داده است. بنابراین تعریف، تعلیق را می توان امتناع یا ناتوانی یک کشور عضو یک معاهده از انجام تعهداتی که براساس آن معاهده پذیرفته است، دانست.<sup>۲</sup>

۵- همین طور آن را عمل یک کشور به معلق گذاردن اجراها و بهره مندی از حقوق خاصی براساس اعلامیه وضعیت اضطراری عمومی که بر حیات کلی ملت اثر می گذارد تعریف کرده اند. تعلیق به کشور اجازه اتخاذ اقداماتی را برای مواجهه با وضعیت اضطراری بدون ترس از نقض هنجارهای حقوق بشری در طول دوره تعلیق می دهد. شرط تعلیق<sup>۳</sup> یک شرط معاهده ای است که در آن معیارهایی را برای کشور جهت عدم اجرای تعهداتش نسبت به آن معاهده را بیان می دارد.<sup>۴</sup>

در مجموع به نظر می رسد که هر دو دسته تعاریف فوق منظور از تعلیق را در معاهدات حقوق بشری به صورت دقیق و کامل بیان نمی کنند زیرا دسته ای آن را محدودیت و دسته ای آن را معلق گذاردن حقوق بشر تعریف کرده اند. از یک طرف بخشی از آن حقوق بطور موقت از تعهدات دولت کنار گذاشته شده و بنابراین اجرا نمی شوند. از طرف دیگر بعلاوه عدم اجرای آن کیفیت حمایت از آنها کاهش می دهد و از این منظر نوعی محدودیت قلمداد می شود. بنظر نویسنده تعلیق را می توان اینگونه تعریف کرد که: تعلیق: عدم اجرای موقت بخشی از یک یا چند ماده از زمره تعهدات یک

<sup>۱</sup> - محمد رضا ضیائی بیگدلی، حقوق معاهدات بین المللی، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۴۷

<sup>۲</sup> - Edward Lawson, *Encyclopedia of Human Rights*, Second Edition, USA, Taylor & Francis, 1996, p.384.

<sup>۳</sup> - Derogation Clause

<sup>۴</sup> - H. Victor Conde, *A Handbook of International Human Rights Terminology*, Second Edition, Lincoln and London, University of Nebraska Press, 2004, P. 64.

دولت بعلت عدم امکان اجرای آن یا جهت ایجاد فضایی (یا شرایطی) که امکان اجرای دوباره معاهده را بطور کل فراهم آورد. بدنبال ظهور یک عامل خارجی استثنایی (وقوع یک وضعیت اضطراری یا فورس ماژور).

اثر چنین اقدامی در معاهدات حقوق بشر کاهش کیفیت بهره‌مندی افراد از حقوق تحت تعلیق قرار گرفته بحال تعلیق درآمده در آن برهه زمانی می‌باشد. بدیهی است که در هر صورت این تعلیق موقتی می‌باشد و لذا آن حقوق اعتبار قانونی خود را از دست نمی‌دهند بلکه صرفاً قابلیت اجرایشان را برای مدتی از دست می‌دهند. بدین ترتیب می‌توان تفاوت این تعاریف را ناشی از تفاوت دیدگاهها نسبت به آنچه به حال تعلیق درآمده است دانست.

تعلیق حقوق یک معاهده می‌تواند ناشی از درج یک شرط در معاهده باشد یا بدون وجود آن اتفاق بیافتد که هر کدام دارای شرایط مخصوص به خود می‌باشد و ما در طول این نوشتار در مورد آن توضیحات کافی را ارائه می‌دهیم.

## ۲- فلسفه تعلیق

امروزه دولتها موظفند که امنیت افراد را رعایت کنند به عبارتی افراد جامعه از یک سری حقوقی بهره‌مندند که دولتها موظفند بهره‌مندی مؤثر از آنها را تضمین کنند. گاهی شرایطی پیش می‌آید که دولتها از زیر پاره‌ای از این تعهدات معاف می‌شوند حال می‌خواهیم بدانیم چه عاملی باعث می‌شود که چنین اتفاقی رخ دهد. بدین منظور توجه به چند مؤلفه ضروری به نظر می‌رسد. حقوق بشر، امنیت و جامعه.

تعامل بین این مؤلفه‌ها را می‌توان اینگونه بیان کرد. افراد در یک جامعه زندگی می‌کنند و در آن حقوقی دارند، هر دو آنها یعنی جامعه و افراد (به طور جمعی یا فردی) نیاز به امنیت دارند. امنیت جامعه باعث پایداری آن می‌شود و امنیت افراد در قالب ضمانت‌های بهره‌مندی از حقوق بشر نمود پیدا می‌کند. حال مسأله‌ای که مطرح می‌شود این است که چه ارتباطی بین امنیت افراد و امنیت جامعه

وجود دارد. این ارتباط می‌تواند منفی یا مثبت باشد. در حالت نخست حفظ امنیت هر کدام باعث تحدید امنیت دیگری می‌شود یعنی رعایت کامل حقوق بشر مستلزم عقب‌نشینی دولت از بعضی از فاکتورهای امنیتی خود به نفع امنیت افراد می‌باشد و بالعکس بعبارتی امنیت فردی و امنیت جمعی دو نقطه مقابل هم هستند. در مقابل بر اثر برخورد دوم بین آنها یک تعامل مثبت وجود دارد یعنی امنیت هر کدام وابسته به دیگری است لذا افزایش امنیت هر یک باعث اثر مثبتی بر دیگری می‌شود. درجه‌ای از امنیت جامعه یک پیش‌شرط ضروری برای امکان رعایت حقوق بشر بوده و بدون نظم و امنیت حقوق بشر تهدید می‌شود، جنگ، ناآرامیها و جنگهای داخلی و غیره مستلزم نقض شدید حقوق بشر است. ایده کلی حقوق بشر دلالت بر وجود انواع نهادهایی دارد که به طور معقولی از ثباتی که قادر باشد اجرای حقوق بشر را تضمین کند برخوردار باشد.<sup>۱</sup> در مقابل نیز تداوم امنیت جامعه وابسته به احترام و رعایت حقوق بشر است. از این به بعد حقوق بشر علاوه بر اینکه برای افراد یک هدف تلقی می‌شود، یک وسیله برای ایجاد و حفظ امنیت از طریق کسب ثبات در روابط دوستانه است. لذا نقض حقوق بشر نه تنها نقض کرامت افراد انسانی است بلکه یک تهدید بالقوه برای امنیت جامعه نیز می‌باشد.<sup>۲</sup>

توسل به تعلیق حقوق بشر در زمانی صورت می‌گیرد که امنیت جامعه تهدید شود. حال باید دید کدام یک از دو دیدگاه فوق توجیه‌کننده اینست که وقتی امنیت جامعه بخطر می‌افتد باید حقوق بشر را بحال تعلیق درآورد. این اقدام براساس دیدگاهی که بین امنیت جمعی و امنیت فردی یک نقش قائل است قابل توجیه نمی‌باشد زیرا براساس این دیدگاه برای حفظ و تداوم امنیت جامعه، رعایت حقوق بشر یک فاکتور مثبت تلقی می‌گردد. بنابراین عدم رعایت آن در طول دوره تعلیق قاعداً باید موجب سست‌تر شدن امنیت جامعه گردد. در مقابل دیدگاه نخست یعنی وجود تعارض بین امنیت افراد و امنیت جامعه توجیه قابل اعتمادی برای توسط به تعلیق می‌باشد در این حالت وجود یک عامل خارجی (وضعیت اضطراری) این تعارض را به آستانه‌ای می‌رساند که دیگر امنیت جامعه تاب

<sup>۱</sup> - Stephanie Lagoutte and Others, *Human Rights in Turmoil, Facing Threat, Consolidating Achievements*, Martinus Nijhoff Publishes, Leiden/ Boston, 2007, p. 90.

<sup>۲</sup> - Ibid.